

حسین غیور: استادی در هندسه

جعفر ربانی^۱

اشاره



ردیف اول (از چپ به راست): حسین غیور، رضا منصوری، بهرام خالصه، محمدتقی عدالتی، توفیق حیدرزاده، محمد باقری - سمینار نجوم و فیزیک، خانهٔ معلمان همدان، ۲۶-۲۸ آبان ۱۳۷۱.

در این قرن شمسی که اندک اندک به پایان خود نزدیک می‌شود در کشور ما معلمان برجسته‌ای، از جمله در رشتهٔ ریاضی، به ظهور رسیده‌اند که پاره‌ای از آنان نقشی بی‌بدیل در رشد و ارتقای این علم ایفا کرده‌اند به طوری که گزاف نیست اگر بگوییم درخشش دانش

آموزان ایرانی در المپیادهای ریاضی جهانی، ریشه در تلاش‌های آن معلمان دارد. شمار معلمان ریاضی مذکور، به ویژه در نیمهٔ اول قرن، به حدی است که چه بسا بتوان برای شناخت آنان نوشتن دانشنامه‌ای را پیشنهاد داد. نگارنده تاکنون دو تن از معلمان ریاضی برجسته را در نشریهٔ میراث علمی معرفی کرده است: پرویز شهریاری و عبدالحسین مصحفی. اینک نیز به شرح زندگی حسین غیور می‌پردازد که هندسه‌دانی برجسته بود و معلمان و دبیران بسیاری در محضر او بالیده و به عرصهٔ آموزش رسیده‌اند.

حسین غیور در سال ۱۲۹۷ شمسی در همدان متولد شد. پدرش حاج شیخ صادق نام داشت و

۱. سردبیر پیشین مجلهٔ رشد معلم.

مردی ادیب، عربی دان و منشی بود. این ادبیت به فرزندش حسین هم سرایت کرد که در پایان اشاره‌ای به آن خواهیم داشت.

حسین غیور، چنان که خود گفته است، دوره ابتدایی را در مدرسه شاهپور و نصرت گذراند و تصدیق ششم را از مدرسه نصرت گرفت. او از یکی از معلمان خود به نام فریور نام می‌برد که در کلاس ششم دبستان نصرت، در زمستان سرد همدان یک ساعت قبل از زنگ کلاس صبحگاهی بچه‌ها را به مدرسه می‌آورد تا به آن‌ها حساب و هندسه یاد بدهد بدون اینکه کسی از او خواسته باشد یا در ازای آن حقوقی دریافت کند؛ البته تنها به این خاطر که «شاگردانش در امتحان نهایی نمره خوب بیاورند و نفر اول از دبستان نصرت باشد». وی از دو معلم دیگر هم به خوبی نام می‌برد، یکی مهدی نثری مدیر دبستان نصرت و معلم عربی دبیرستان پهلوی و دیگری موسی نثری - احتمالاً پدر مهدی نثری - که ریاضی دان و نویسنده توانایی بود و کتابی به نام قوانین نثری در ریاضیات نوشته بود که در سال ۱۳۱۱ مورد تعریف و توجه غلامحسین رهنما، معاون دانشمند وزارت معارف قرار گرفت.^۱

دبیرستان

غیور دوره دبیرستان را در دو دبیرستان دانش و شریعت گذراند و در حالی که دانش آموز این مدرسه‌ها بود عصرها در دبستان کمال به دانش آموزان ششم ابتدایی حساب و هندسه یاد می‌داد و در مدرسه شرافت به دانش آموزان سیکل اول، ریاضی و فیزیک می‌آموخت. در واقع معلمی او از همین جا شروع شد. وی به دلیلی که برای ما روشن نیست، دیپلم کامل متوسطه را در تهران، به طور داوطلب آزاد گرفت و در همان سال (۱۳۲۵) در کنکور دانشسرای عالی شرکت کرد که با رتبه اول در رشته ریاضی پذیرفته شد و دوره لیسانس را آغاز کرد. در این دوره از محضر استادانی مثل دکتر محسن هشترودی، دکتر منوچهر وصال و پروفیسور تقی فاطمی، که هر سه از استادان برجسته ریاضی بودند درس آموخت و به‌ویژه مورد توجه پروفیسور هشترودی و دکتر وصال قرار گرفت. دکتر هشترودی خیلی تلاش کرد وی را در تهران نگه دارد تا با استفاده از بورس تحصیلی، به خارج اعزام شود و به تحصیلات خود ادامه دهد؛ اما نتیجه‌ای نگرفت، زیرا سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بود و دولت ایران از چنان قوت و قدرتی برخوردار نبود که بتواند چنین اقداماتی انجام دهد. غیور

۱. موسی نثری (۱۲۶۰-۱۳۳۲ش) از شخصیت‌های فرهنگی اثرگذار بود. او یک شاخص ظهر در مسجد جامع همدان نصب کرد و در مقام رئیس فرهنگ (آموزش و پرورش) همدان و کرامانشاه بانی چندین مدرسه شد. او پژوهش‌هایی درباره حل معادله‌های درجه سوم و ترسیم بیضی داشته و تقی‌زاده برخی از یادداشت‌های نجومی او را نقل کرده است (بیست مقاله، چاپ سوم ۱۳۸۰، ص ۵۱۸ و ۵۶۴). برای اطلاع بیشتر درباره موسی نثری بنگرید به مقاله پرویز اذکایی درباره او در نشریه آشتی با ریاضیات، شماره ۱۴، شهریور ۱۳۵۹، ص ۹۰-۹۶ و کتاب مشاهیر همدان: غمام و نثری، پرویز اذکایی، نشر نازلی، همدان، ۱۳۸۳.

ناچار به همدان برگشت و به دبیری دبیرستان‌ها منصوب شد و کار خود را آغاز کرد. او در همدان به مدت چهارده سال (۱۳۲۷-۱۳۴۱) تدریس کرد تا اینکه استادش دکتر منوچهر وصال که گفتیم به وی علاقه داشت او را به دانشسرای عالی برای تدریس ریاضی معرفی کرد. شورای دانشسرای عالی پس از بررسی‌های لازم صلاحیت غیور را برای تدریس تأیید کرد و بدین ترتیب غیور از همدان به تهران انتقال یافت و معلم دانشسرای عالی شد.

در دانشسرای عالی

غیور ریاضی‌دان توانایی بود و این توانایی او بیش از هر چیز در تدریس هندسه و شاخه‌های مختلف آن متبلور شده بود. از این‌رو در دانشسرا، هم‌کلاس‌های حل مسئله و هم‌استادی هندسه تحلیلی را به او دادند. می‌دانیم که هندسه تحلیلی، که بنیان‌گذاران آن دکارت و فرما بوده‌اند، شاخه‌ای از ریاضیات است که از ترکیب هندسه و جبر مقدماتی به وجود آمده است. در این رشته شکل‌های هندسی و روابط بین آن‌ها را با مقادیر و معادلات عددی و جبری بیان می‌کنند.

حسین غیور تا سال ۱۳۵۸ که بازنشسته شد کار تدریس و حل مسئله‌های هندسه تحلیلی را در دانشسرای عالی ادامه داد و پس از آن هم به‌ویژه وقتی در پی وقایع انقلاب فرهنگی، دانشگاه‌ها تعطیل شد و امکان تدریس برایش فراهم نبود سه سال به طور مداوم در جبر برداری کارکرد و تمام قضایای هندسه را به روش برداری اثبات کرد. غیور بر آن بود که در جبر برداری به ابداعاتی دست یافته است که سراغ ندارد در کشور دیگری به آن دست یافته باشند. وی آرزو داشت روزی برسد که بتواند این ابداعات را که «نتیجه یک عمر پیگیری و کار و کوشش مستمر و مداوم است و ممکن است در دنیای مرفقی و پیشرفته امروز راهی به دهی باشد در اختیار همگان» قرار دهد.

حل مسئله! روش یا حل؟

کار مهمی که ظاهراً غیور در کلاس‌های حل مسئله دانشسرا موفق به انجام آن شد، تغییر رویکرد دادن - هم به خودش و هم به دانشجویان - در عبور از "حل مسئله" به "روش" بود. گفته است که: «وقتی در سال ۴۱ یا ۴۲ در دانشسرا حل مسائل مکانیک به عهده من گذاشته شد، به دانشجویان گفتم می‌خواهم به شما روش حل مسئله را بیاموزم و مطمئن باشید که این کار مفیدتر از آن است که مسئله‌ها را در خارج حل کنم یا از جایی نقل کنم و روی تابلو برای شما بنویسم». وی علی‌رغم مخالفت یا مقاومت اولیه دانشجویان موفق می‌شود: «کم کم کلاس جان گرفت و عده‌ای در حل مسائل شرکت می‌کردند. نه دانشجویان خسته می‌شدند نه من؛ و این بهترین خاطره ایست که از تدریس در دانشسرای عالی دارم».



غیور در رشد ریاضی

در سال ۱۳۶۴، هنگامی که در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به پیشنهاد رئیس وقت سازمان، دکتر غلامعلی حداد عادل مجله تخصصی رشد ریاضی منتشر شد، از جمله کسانی که به عضویت در هیئت تحریریه دعوت شدند، حسین غیور بود. وی با علاقه این دعوت را پذیرفت و نگارنده در سال‌های اول دهه هفتاد شاهد حضور او در جلسات هیئت تحریریه، در دفتر گروه ریاضی سازمان بودم. وی از جمله اعضای فعال مجله بود و ده‌ها مقاله و عمدتاً در زمینه هندسه در مجله رشد ریاضی نشر کرد. برای نمونه عنوان پاره‌ای از مقالات او همراه با شماره مجله چنین است: تعمیم قضیه مورلی (۳)، مکان‌های هندسی (۴)، حل مسئله نقشه (۵-۶)، درس‌هایی از هندسه (۷-۹-۱۱)، بخش‌های ناهمساز (۱۶)، حل دو مسئله (۱۷)، عدد طلایی و نسبت زیبایی (۱۸)، نگاهی به بعضی از مسائل (۱۹-۲۰).

ویژگی‌های شخصیتی

شادروان حسین غیور معلمی واقعی بود. سلامت نفس داشت. جز به کار و وظیفه معلمی خود نمی‌اندیشید. اهل کار جمعی بود که نشانه‌اش علاوه بر حضور مستمر در مجله رشد ریاضی عضویت او در گروه فرهنگی خوارزمی، با همکاری کسانی مثل پرویز شهریاری بود. او سال‌ها بدون ادعا کار و تلاش کرد. نقش مؤثری در آموزش ریاضی، اعم از تألیف کتاب‌های درسی رشته ریاضی دبیرستان‌ها و نیز در هندسه دانشگاهی داشت. او خود را نمی‌دید و از مطرح نمودن خود ابا داشت. وقتی همکاری‌اش از او خواستند با وی مصاحبه کنند و شرح حال او و خدماتش را در مجله رشد ریاضی منتشر کنند، مدت‌ها ابا می‌کرد تا بالاخره: «وقتی این امر و درخواست دوستان به حدی رسید که تصور کردم نپذیرفتن آن حمل بر بی‌اعتنایی به عزیزان می‌شود که به آن‌ها ارادت دارم ناگزیر از آن قبول شدم». احتمالاً تنها مصاحبه مکتوبی است که از این معلم ریاضی سخت‌کوش به جا مانده است.

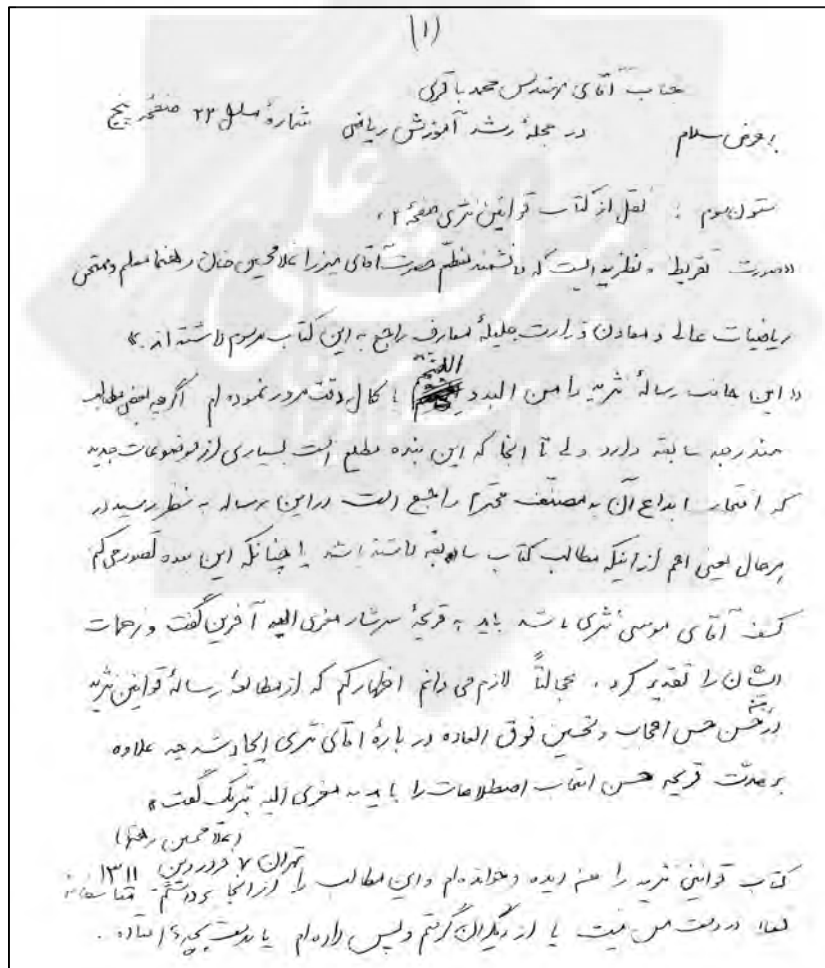
مصاحبه در شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۶۸) رشد ریاضی چاپ شده و همان دستمایه اینجانب در نگارش متن حاضر قرار گرفت.

غیور ریاضی‌دان و شاعر

در ابتدای این نوشتار اشاره کردیم که پدر غیور ادیب و عربی‌دان و منشی و طبعاً شاعر بود. به تاسی از پدر، این فرزند نیز در جوانی به شعر مایل شد و دفتری از شعر برای خود ترتیب داد. اما پدر و برادر بزرگ او (محسن) با شعر گفتن او مخالف بودند. شاید همین امر و البته تعلق خاطر غیور به درس‌های ریاضی و فیزیک سبب شد خودش هم از شعر فاصله بگیرد و حتی چنان‌که گفته است دفتر شعرش را آتش بزند! با این حال هنگامی که دبیر دبیرستان‌های همدان شد، برادرش - همان محسن - که در تهران می‌زیست

۳۳ قطعه از اشعار حسین را در مجموعه‌ای به نام «رؤیا» چاپ کرد. حسین غیور این مجموعه را به استادش پروفسور هشترودی، که ریاضی‌دان دانشمند بود، تقدیم کرده است. غیور در گفتگو با مجله رشد ریاضی یک قطعه از اشعارش را که در خاطر داشته آورده است.

شادروان حسین غیور عمری نسبتاً طولانی (۸۷ سال) و با برکت را از سر گذراند. با این حال می‌گفت: «اگر توانسته بودم به خارج بروم و به مدارج عالی تری دست یابم این برایم خوشایندتر از وضع فعلی بود». از غیور به‌جز مقالات بسیار، چند کتاب نیز باقی مانده است از جمله: هندسه چهارم ریاضی، هندسه تحلیلی (به پیشنهاد دکتر مصاحب و با همکاری برادرش محسن غیور) و هندسه برای مراکز تربیت معلم. غیور در آذر ماه سال ۱۳۸۴ در گذشت. رحمة الله علیه.



تصویر نامه‌ای از حسین غیور در پاسخ به سؤالی درباره موسی شری همدانی (ص ۱)





آنچه بنامه آقا موسی شریک اطلاع دارم این بدو درستان حضرت
 مهدیان بوده اند که تالیف بواسطه سبک اول دیگر درستان علامه
 حضرت بوده است بنده در درستان حضرت کلاس ششم و هفتم را تحصیل کرده ام
 که بدو آن مرحوم محمدی تهرسی پسر خوانده شیخ موسی شریک بوده است .
 مرحوم موسی شریک کتاب ربانی آلفیه کرده است که فایده آن در آنجا خواهد بود
 و نه دانش را یاد آورده بخلاف بعضی از آیات قرآن مجید را به شرح
 فارسی در آورده است . در سایر ابوابی آفری که در طهران بوده است
 فرستادگان به عمدتاً آورده است و بعد به طهران منتقل شده
 آقا شریک مهدی شری بدو درستان حضرت بود و در کلاس ششم و هفتم
 ابتدایی را در آن درس کردیم آقا مهدی شری چه بدو قابل
 و نا اطلاع و تسلط به هندسه و حساب و سایر ریاضیات بواسطه ششم بود چه
 و بعداً که من لیسانس گرفتم در طهران ششم ایمن ۲۶ و ۲۸ تمام درستان
 بهلولی در سبک اول بود که عربی مسلک دوم را در ششم آزاد که در کلاس
 ارباب و شاعر و عربی دان بود از کلاس داد
 چه آقا موسی شری و آقا آزاد و مسلمین لائق که در طهران بود هر دو درستان
 تمام چهارمی بودند که ششمی در کلاس در کلاس در کلاس بود در آن کلاس
 فرستادگان هم در کلاس با فرستادگان طهران می بود از آنکه حسن محمدی

تصویر نامه‌ای از حسین غیور (ص ۲)

جناب آقای مهندس محمد باقری،

با عرض سلام،

در مجله رشد آموزش ریاضی، شماره مسلسل ۲۲ صفحه پنج، ستون سوم: نقل از کتاب قوانین

نثری صفحه ۲،

«صورت تقریظ و نظریه ایست که دانشمند معظم حضرت آقای میرزا غلامحسین خان رهنما معلم و

ممتحن ریاضیات عالی و معاون وزارت جلیله معارف راجع به این کتاب مرسوم داشته اند.»

«این جانب رساله تثریه را من البدو الی الختم با کمال دقت مرور نمودم. اگرچه بعضی مطالب

مندرجه سابقه دارد، ولی تا آنجا که این بنده مطلع است بسیاری از موضوعات جدید که افتخار ابداع

آن به مصنف محترم راجع است در این رساله به نظر رسید. در هر حال، یعنی اعم از این که مطالب کتاب سابقه داشته باشد یا چنان که این بنده تصور می‌کنم کشف آقای موسی نثری باشد باید به قریحه سرشار معزی الیه آفرین گفت و زحمات ایشان را تقدیر کرد. عجلتاً لازم می‌دانم اظهار کنم که از مطالعه رساله قوانین نثریه در من حس اعجاب و تحسین فوق العاده درباره آقای نثری ایجاد شد، چه علاوه بر حدت قریحه حسن انتخاب اصطلاحات را باید به معزی الیه تبریک گفت».

غلامحسین رهنما-تهران ۷ فروردین ۱۳۱۱

کتاب قوانین نثریه را من دیده و خوانده‌ام و این مطالب را از آنجا برداشتم. متأسفانه فعلاً در دست من نیست یا از دیگران گرفته‌ام و پس داده‌ام یا به دست بچه‌ها افتاده.

آنچه بنده از آقای موسی نثری اطلاع دارم ایشان مدیر دبیرستان نصرت همدان بوده‌اند که شامل سه کلاس متوسطه سیکل اول و یک دبستان شش کلاسه نصرت بوده است. بنده در دبستان نصرت کلاس پنجم و ششم را تحصیل کرده‌ام که مدیر آن مرحوم مهدی نثری پسر خواننده شیخ موسی نثری بوده است.

مرحوم موسی نثری کتاب رمانی تألیف کرده است که متأسفانه نه آن را خوانده‌ام و نه اسمش را یاد مانده. به علاوه بعضی از آیات سوره‌های قرآن مجید را به نثر فارسی درآورده است. در سال‌های آخری که در همدان بوده ریاست فرهنگ همدان به عهده او بوده است و بعد به تهران منتقل شده. آقای مهدی نثری مدیر دبستان نصرت بود و من کلاس پنجم و ششم ابتدایی را در آن مدرسه گذراندم. آقای مهدی نثری چه مدیر قابل و بااطلاع و مسلط به هندسه و حساب و سایر درس‌های کلاس ششم بود و چه بعدها که من لیسانس گرفتم و به همدان رفتم یعنی سال‌های ۲۷ و ۲۸ معلم عربی دبیرستان پهلوی در سیکل اول بود که عربی سیکل دوم را مرحوم آزاد که مردی ادیب و شاعر و عربی‌دان بود درس می‌داد.

چه آقای موسی نثری و آقای آزاد و معلمین لایقی که در همدان بود[ند] همه از مریدان غمام همدانی بودند که شاعری بزرگ و مردی دانشمند و مدبر بود. در زمان ما فرهنگ همدان دم برابری با فرهنگ تهران می‌زد.

ارادتمند، حسین غیور

